



تلاوت روزی یک جزء از
قرآن
الجزء
۱۲
Qur'an
Reciting one Juz' a day from

جزء ١٣ - صفحہ ٢٤٢ تا صفحہ ٢٦١

الجزء الثالث عشر - الصفحة ٢٤٢ إلى الصفحة ٢٦١

Juz' (Part) 13 - Page 242 to Page 261

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



۳
وَمَا أَبْرِيُّ نَفْسِي إِنْ النَّفْسِ

و من (خودستایی نکرده و) نفس خویش را از عیب و تقصیر مبرا نمی دانم، زیرا نفس
"I do not claim to be innocent myself: one's soul is prone

لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي

آماره انسان را به کارهای زشت و ناروا سخت و آسان می دارد جز آنکه خدای من رحم کند،
to [commit] evil, except for anything my Lord shows mercy for.

۴
إِن رَّبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٣﴾

که خدای من بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵۳)
My Lord is Forgiving, Merciful." (53)

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ

شاه گفت: او را نزد من آرید
The king said: "Bring him to me;



أَسْتَخْلِصُهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ وَ

تا او را از خاصان خود گردانم. چون با او هر گونه سخن به میان آورد
 "I'll select him for my special service." When he spoke to him,

قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ ۝٥٤

به او گفت: تو امروز نزد ما صاحب منزلت و امین هستی. (۵۴)
 he said: "Today you stand before us secure, trusted." (54)



قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ

(یوسف به شاه) گفت: در این صورت مرا به خزانه داری مملکت منصوب دار

He said: "Place me over the storehouses in the land.

إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ



که من در حفظ دارایی و مصارف آن دانا و بصیرم. (۵۵)

I will be a careful overseer." (55)



وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ

و این چنین ما یوسف را در زمین (مصر) بدین منزلت رسانیدیم

Thus We established Joseph in the land,

يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ

که هر جا خواهد جای گزیند و فرمان براند،

to budget for it in any way he wished.



۸

نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ

که هر کس را ما بخواهیم به لطف خاص خود مخصوص می گردانیم

We confer Our mercy on anyone We wish to

وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۵۶

و اجر هیچ کس از نیکوکاران را (در دنیا) ضایع نمی گذاریم. (۵۶)

and never let the earnings of those who act kindly get lost. (56)



وَلَا جُرْءَ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا

و البته اجر عالم آخرت برای اهل ایمان و مردم پرهیزکار

Earnings in the Hereafter will be even better for those who believe

و كَانُوا يَتَّقُونَ



بسیار بهتر (از اجر و مقام دنیوی) است. (۵۷)

and have done their duty. (57)



وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ

و برادران یوسف (که در کنعان به قحطی مبتلا شدند چهل سال بعد از فروختن یوسف، به

Joseph's brothers came, and they entered his office. He

فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ

مصر) نزد وی آمدند در حالی که او برادران را شناخت ولی آنها وی را نشناختند. (۵۸)
 recognized them, while they remained ignorant as to who he was. (58)

وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ

(برادران از یوسف در مقابل متاعی که آورده بودند طعام خواستند) و یوسف چون بار غله

When he had equipped them with their supplies,

قَالَ ائتوني باخ لكم من ابيكم

آنها را بست گفت: می خواهم در سفر دیگر برادر پدری خود (بنیامین) را نزد من بیاورید،

he said: "Bring me a brother of yours [who is] with your father. 

۱۲
الْأَتْرُونَ أَنِّي أُوْفِي الْكَيْلَ

نمی بینید که من پیمانہ را تمام می دهم
Don't you see that I give full measure

وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ۵۹

و بهترین میزبانم؟ (۵۹)
and have been the best of hosts? (59)



فَإِنْ لَمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ

و اگر آن برادر را همراه نیاورید نزد من پیمانۀ خواربار

If you do not bring me him, I'll have no [further] measure for you

عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِي

٦٠

نخواهید داشت و نزدیک من نشوید. (۶۰)

nor need you ever approach me [again]." (60)



قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ

برادران گفتند: تا بتوانیم می کوشیم که پدرش را راضی کنیم
 They said: "We'll try to coax his father to let him go,

وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ

۶۱

و حتما چنین خواهیم کرد. (۶۱)
 We [promise] to do so." (61)



وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ

آن گاه یوسف به غلامانش گفت: متاع این کنعانیان را

He told his houseboys: "Place their trading goods back

فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا

در میان بارهاشان بگذارید که چون نزد کسان خود رفته

in their saddlebags, so they will recognize it



إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ

(و متاع خود را دیدند) آن را بازشناسند،
when they return home to their family;

لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

۶۲

شاید که (این احسان موجب شود) باز نزد من مراجعه کنند. (۶۲)
thus they may come back." (62)



فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ آبِيهِمْ

چون برادران نزد پدر بازگشتند گفتند: ای پدر (با همه کرم و سخای خدیو

When they returned to their father, they said:

قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ

مصر) غلّه (بسیار) به ما عطا نشد (و وعده داد که اگر برادر خود را همراه آورید

"Our father, any [further] measure has been denied us,



فَارْسِلْ مَعَنَا أَخَانَا نَكْتَلْ

به شما گندم فراوان خواهیم داد) پس برادرمان را با ما فرست تا مقدار کافی
so send our brother [Benjamin] along with us so we may be treated

وَإِنَّا لَهُ وَحَافِظُونَ

۶۳

غله تهیه کنیم و البته ما کاملا نگهبان او خواهیم بود. (۶۳)
as customers. We'll look after him." (63)



قَالَ هَلْ ءَامَنُكُمْ عَلَيْهِ

يعقوب گفت: آیا من همان قدر دربارهٔ این برادر به شما مطمئن

He said: "How dare I trust you with him

إِلَّا كَمَا آمَنْتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ

و ایمن باشم که پیش از این دربارهٔ برادرش (یوسف) مطمئن بودم؟

except as I entrusted you with his brother long ago?



فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا ز

البتہ خدا بہترین نگہبان
God is the best Guardian

وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۶۴

و مہربانترین مہربانان است. (۶۴)
and the most Merciful of Mercy-granters." (64)



وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ

چون برادران بارها را گشوده
When they opened their baggage,

وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رَدَّتْ إِلَيْهِمْ

و متاعشان را به خود رد شده یافتند
they found their trading goods had been returned to them.



قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي ز

گفتند: ای پدر، ما دیگر چه می خواهیم؟ این سرمایه ماست
 They said: "Our father, what more do we desire than this?"

هَذِهِ بَضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا ز

که به ما بازگردانده شده (با همین مال التجاره باز به مصر می رویم)
 This merchandise of ours has been returned to us!



وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزِدَادُ

و غله برای اهل بیت خود تهیه کرده و برادر خود را هم در کمال مراقبت
 We shall supply our family, look after our brother, and add

كَيْلَ بَعِيرٍ ز ذٰلِكَ كَيْلٍ يَسِيرٍ ٦٥

حفظ می‌کنیم و بار شتری بر این قوت کم که اکنون آورده‌ایم می‌افزاییم. (۶۵)
 a camel's load [to it] besides: that should be such an easy load!" (65)

قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ

يعقوب گفت: تا شما برای من

He said: "I will never send him with you

حَتَّى تُوْتُوا مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ

به خدا عهد و قسم یاد مکنید که او را برگردانید

until you give me some assurance before God



لَتَأْتِنِي بِهِ

مگر آنکه (به قهر خدا) گرفتار و هلاک شوید
that you will bring him back to me,

إِلَّا أَنْ يُحَاطَبِكُمْ

من هرگز او را همراه شما نخواهم فرستاد.
unless you have been ambushed."



فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْتِقَهُمْ

پس چون برادران عهد و قسم به خدا یاد کردند

When they had given him their pledge,

قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٦٦﴾

يعقوب گفت: خدا بر قول ما وکیل و گواه است (و او را فرستاد). (۶۶)

he said: "God is a Trustee for what we say." (66)



وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ

و گفت: ای پسران من (سفارش می‌کنم که چون به مصر برسید)

He said: "My sons, do not enter by a single gate;

وَأَدْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ

همه از یک در وارد نشوید بلکه از درهای مختلف درآیید

enter rather by separate gates.



وَمَا أَغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ

و (بدانید که) من در برابر (قضا و قدر) خدا هیچ سودی به حال شما
I cannot help you in any way against God;

مِنْ شَيْءٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ

نخواهم داشت، که فرمانروایی عالم جز خدا را نیست،
discretion rests only with God.



عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ

بر او توکل کردم و باید

On Him have I relied,

فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٦٧﴾

همه صاحبان مقام توکل هم بر او اعتماد کنند. (۶۷)

and on Him should reliant persons rely." (67)



وَلَمَّا دَخَلُوا

چون آنها به ملک مصر

When they had entered [the city]

مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ آبُوهُمْ

به طریقی که پدر دستور داده بود وارد شدند

just as their father ordered them to,



مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ

البته این کار هیچ سودی برایشان در برابر (قضا و قدر) خدا نداشت
it did not help them in any way against God

إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا

جز آنکه در دل یعقوب غرضی بود که (از چشم بد گزندی نبینند) ادا نمود،
except as a need which He fulfilled in Jacob's soul.



وَإِنَّهُ وَلَدُو عَلِمَ لِمَا عَلَّمْنَاهُ

و او بسیار دانشمند بود، زیرا ما او را (به وحی خود) علم آموختیم
 He possessed knowledge since We had taught him,

وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ٤٦٨

و لیکن اکثر مردم نمی دانند. (۶۸)
 although most men do not realize it. (68)



وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يَوْسُفَ

و چون برادران بر یوسف وارد شدند
As they entered Joseph's quarters,

ءَاوَىٰ إِلَىٰ أَخَاهُ

او برادر خود را در کنار خویش جای داد
he took his brother [Benjamin] aside.



قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ

و به او اظهار داشت که همانا من برادر توام و دیگر بر آنچه
He said: "I am your brother, so do not feel distressed

بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦٩﴾

برادران (بر یوسف) می کردند محزون مباش. (۶۹)
about whatever they have been doing." (69)



فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ

چون بار آن قافله را مهیا ساخت

When he furnished them with their supplies,

جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ

جام (زرین شاه) را در رحل برادر نهاد

he placed a mug in his brother's saddlebag.



ثُمَّ أَذِنَ مُؤَدِّنُ أَيَّتْهَا الْعَيْرُ

و آن گاه از غلامان منادی ندا کرد که ای اهل قافله،

Then a crier called out: "Caravaners,

إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ

۷۰

شما بی شک دزدید. (۷۰)

you are thieves!" (70)



قَالُوا وَاقْبَلُوا عَلَيْهِم

آنها رو به غلامان کرده گفتند که

They said as they approached them:

مَاذَا تَفْقِدُونَ

٧١

مگر چه چیز از شما مفقود شده است؟ (٧١)

"What have you lost?" (71)



قَالُوا نَفَقِدُ صُوعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ

غلامان گفتند: جام شاه ناپیدا است و من (که رئیس انبارم) یک بار شتر
 They said: "We are missing the king's goblet. Whoever brings it back

جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ۷۲

طعام ضمانت کنم بر آن کس که جام را پیدا کرده بیاورد. (۷۲)
 will have a camel's load; I can vouch for it." (72)



قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ

برادران گفتند: به خدا سوگند که شما به خوبی حال ما را دانسته
 They said: "By God, you [ought to] know

مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ

و شناخته‌اید که برای فساد در این سرزمین نیامده
 we have not come here to cause any trouble in the land.



۷۳

وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ

و دزد نبوده ایم. (۷۳)

We are not thieves!" (73)

۷۴

قَالُوا فَمَا جَزَاءُوهُ وَإِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ

غلامان گفتند: اگر کشف شد که دروغ می گوئید کیفر آن چیست؟ (۷۴)

They said: "What will the penalty be for it if you are liars?" (74)



قَالُوا جَزَاؤُهُ مَن وَجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ

گفتند: جزاء آن کس که این جام در رحل او یافت شود آن است که هم او را
 They said: "Its penalty? Whoever's saddlebag it is found in will

جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ۷۵

به بندگی برگیرند، که ما (دزدان و) ستمکاران را چنین به کیفر می‌رسانیم. (۷۵)
 [act as] his own penalty. Thus we penalize wrongdoers." (75)

فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ آخِيهِ

پس (یوسف یا مأمور او) شروع در تحقیق از بارهای ایشان پیش از بار برادر کرد،

He began with their baggage before his brother's bag.

ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ آخِيهِ ج

آخر آن مشربه را از بار برادر خود (بنیامین) بیرون آورد.

Then he pulled it out of his brother [Benjamin]'s bag.



كَذٰلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ ز

این تدبیر را ما به یوسف آموختیم،

Thus We contrived [things] for Joseph;

مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ

که در آیین ملک این نبود که بتوان آن برادر را به گرو بگیرد،

he would never have taken his brother according to the king's code

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ

جز آنکه خدا بخواهد (و دستوری از طریق وحی به یوسف پیاموزد. و ما که
unless God had so wished it.

نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ

خدای جهانیم) هر کس را بخواهیم به مراتب بلند می‌رسانیم
We raise anyone We wish to in rank,



وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾ قَالُوا

و (تا مردم بدانند که) فوق هر دانشمندی، دانشمندتری وجود دارد. (۷۶)
while Someone Aware [stands] over everyone possessing knowledge. (76)

إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ ﴿٧٧﴾

برادران گفتند که اگر این دزدی کند (بعید نیست که) برادرش (یوسف) نیز
They said: "If he has been [caught] stealing, then a brother of his

فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ

از این پیش دزدی کرد. یوسف باز قضیه را در دل پنهان کرد
 stole something previously." Joseph kept his secret to himself

وَلَمْ يَبْدِهَا لَهُمْ

و به آنها اظهار نکرد
 and did not reveal it to them.



قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا ز

(و در دل) گفت: شما بسیار مردم بدتری هستید

He said: "You are in a worse plight!"

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ۷۷

و خدا به حقیقت آنچه نسبت می دهید آگاه تر است. (۷۷)

God is quite Aware of what you describe." (77)



قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ

برادران گفتند: ای عزیز مصر،

They said: "Sir, he has a father

إِنَّ لَهُ وَابًا شَيْخًا كَبِيرًا

او را پدر پیری است (که به او علاقه شدیدی دارد،

who is an elderly gentleman.



فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ ۚ

لطفی کن (و) یکی از ما را به جای او نگاه دار،

Take one of us in his place;



إِنَّا نَرُكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

که تو به چشم دل ما از نیکان عالمی. (۷۸)

we see you are someone who acts kindly." (78)



٥٠
قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا

یوسف گفت: معاذ الله که ما جز آن که متاع خود را نزد او یافته ایم
He said: "God prevent us from taking anyone except the one

٧٩
مَتَاعَنَا عِنْدَهُ وَإِنَّا إِذَا لَطَّالِمُونَ

دیگری را بگیریم، که اگر چنین کنیم بسیار مردم ستمکاری هستیم. (٧٩)
whom we found our property with! We'd then be wrongdoers." (79)

فَلَمَّا اسْتَيْسَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا

چون برادران از او مأیوس شدند با خود خلوت کرده و در سخن، سرّ خود
When they despaired of influencing him, they held counsel

قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا

به میان آوردند، برادر بزرگ گفت: آیا نه این است
by themselves. The eldest of them said: "Don't you realize



أَنَّ آبَاءَكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْتِقًا

که پدر از شما عهد و سوگند به نام خدا گرفته است و از این پیش هم
that your father took a pledge from you before God?

مِنَ اللَّهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ

درباره یوسف مقصر بودید؟ (ما دیگر با چه آبرو نزد پدر رویم؟)
You have already been remiss concerning Joseph



فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّىٰ يَأْذَنَ لِي أَبِي

من که هرگز از این سرزمین برنخیزم تا پدرم اجازه دهد

so I shall never leave the land until my father permits me to,

أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي

یا خدای عالم حکمی درباره من فرماید،

or God decides [things] for me.





وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

که او بهترین حکمفرمایان است. (۸۰)

He is the best Judge! (80)

ارْجِعُوا إِلَىٰ آبَائِكُمْ

شما نزد پدر باز شوید

Return to your father



فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ

و بگوئید که فرزندت (بنیامین در مصر) سرقت کرد (و بدین جرم گرفتار شد)
and say: 'Our father, your son has stolen something!

وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا

و ما جز بر آنچه دانستیم گواهی ندادیم
Yet we testify only about what we know



وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ ﴿٨١﴾

و (لیکن حقیقت امر ہرچہ بود) ما حافظ اسرار غیب نبودیم. (۸۱)
and are not guardians of the Unseen. (81)

وَسَأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا

و از مردم آن شهر و از آن قافلہ

Ask the town[s'folk] where we have been



وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا ز

که ما با آن آمدیم حقیقت را جویا شو
and the caravan which we came back in;

۸۲

وَإِنَّا لَصَادِقُونَ

تا صدق دعوی ما کاملاً بر تو معلوم گردد. (۸۲)
we are telling the truth!" (82)



قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا

(آنها نزد پدر آمده و قضیه را اظهار داشتند) یعقوب گفت (این قضیه هم مانند یوسف و گرج

He said: "Rather you have fooled yourselves in the matter.

فَصَبِرْ جَمِيلٌ

حقیقت ندارد) بلکه چیزی از او هام عالم نفس بر شما جلوه نموده، پس من باز هم

Patience is a virtue!



عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا

راه صبر نیکو پیش گیرم، که امید است خدا همه ایشان را به من باز رساند،

Perhaps God will bring them all back to me;

إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

۸۳

که او خدایی دانا و درستکار است. (۸۳)

He is the Aware, the Wise." (83)



وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ

آن گاه یعقوب (از شدت حزن) روی از آنها بگردانید

He turned away from them

وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يَوْسُفَ

و گفت: وا اسفا بر فراق یوسف!

and said: "How upset I feel over Joseph!"



وَإِيضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ

و از گریه غم چشمانش سفید شد

Both his eyes clouded over from sadness,

فَهُوَ كَظِيمٌ

۸۴

و سوز هجران و داغ دل بنهفت. (۸۴)

so he choked back his grief. (84)



قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَأُ تَذْكُرُ يَوْسُفَ

فرزندانش (به ملامت) گفتند: به خدا سوگند که تو آن قدر دائم
 They said: "By God, you keep on remembering Joseph

حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا

یوسف یوسف کنی تا از غصه فراقش مریض شوی
 until you will be exhausted





۱۵

أَوْ تَكُونُ مِنَ الْهَالِكِينَ

و یا خود را به دست هلاک سپاری. (۱۵)

or will be ready to die!" (85)

قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بِنِّي

يعقوب گفت: من با خدا

He said: "I complain only to God



وَ حُزْنِي إِلَى اللَّهِ

غم و درد دل خود گویم
about my sorrow and my sadness.

وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

و از (لطف بی حساب) خدا چیزی دانم که شما نمی دانید. (۸۶)

Through God I know something you do not know. (86)



يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا

ای فرزندان من،

My sons,

فَتَحَسَّسُوا مِنْ يَوْسُفَ وَآخِيهِ

بروید (به ملک مصر) و از حال یوسف و برادرش تحقیق کرده و جویا شوید

go and search for Joseph and his brother;



وَلَا تَيْئَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ

و از رحمت خدا نومید مباشید
do not despair of [finding] God's comfort;

إِنَّهُ لَا يَأْتِيَنَّ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ

که هرگز جز کافران
only disbelieving folk





إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ

هیچ کس از رحمت خدا نومید نیست. (۸۷)
despair of God's comfort." (87)

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ

برادران (به امر پدر باز به مصر نزد یوسف آمده) چون بر او وارد شدند
When they entered his office,



قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا

گفتند: ای عزیز مصر، ما با همهٔ اهل بیت خود
they said: "Sir, trouble has afflicted us

وَأَهْلَنَا الضَّرَّ

به فقر و قحطی و بیچارگی گرفتار شدیم
and our family,



وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ

و با متاعی ناچیز و بی قدر (حضور تو) آمدیم،
and we have come with meagre merchandise.

فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ

پس بر قدر احسانت نسبت به ما بیفزا
Fill up the load for us



وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا

و از ما به صدقه دستگیری کن،
and act charitably towards us.

إِنَّ اللَّهَ يُجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ

که خدا صدقه بخشندهگان را نیکو پاداش می دهد. (۸۸)

God rewards the charitable." (88)



قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ

گفت: شما برادران یوسف در دوران جهل و نادانی
He said: "Do you know what you did to Joseph

وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ ۱۹

فهمیدید که با یوسف و برادرش چه کردید؟ (۱۹)

and his brother while you were acting out of ignorance?" (89)



قَالُوا ءَاِنَّكَ لَآنتَ يُوْسُفُ ز

آنان گفتند: آیا تو همان یوسف هستی؟

They said: "Why, are you Joseph?"

قَالَ اَنَا يُوْسُفُ وَهٰذَا اَخِي ز

پاسخ داد که آری من همان یوسفم و این برادر من (بنیامین) است،

He said: "I am Joseph, and this is my brother.



قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا

خدا بر ما منت نهاد (و ما را به دیدار هم پس از چهل سال رسانید)

God has compensated us;

إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَيَصْبِرْ

که البته هر کس تقوا و صبر پیشه کند

with anyone who does his duty and perseveres,



فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ

خدا اجر نیکوکاران را

God does not lose track of the wages

۹۰

أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

ضایع نگذارد. (۹۰)

for those who act kindly." (90)



قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ ءَاثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا

برادران گفتند: به خدا که خدا تو را بر ما (به ملک و عزت و عقل و حسن و

They said: "By God, God has preferred you ahead of us,

۹۱

وَإِنْ كُنَّا مَخَاطِبِينَ

کمال) برگزید و ما (در حق تو) مقصر و خطاکار بودیم. (۹۱)

while we have been mistaken." (91)



قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ

یوسف گفت: امروز هیچ خجل و متأثر نباشید،

He said: "There is no [way for me to] find fault with you today.

يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ

که خدا گناه شما ببخشد

God will forgive you;





وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

و او مهربان ترین مهربانان است. (۹۲)

He is the most Merciful of the Mercy-granting. (92)

أَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا

اکنون این پیراهن مرا نزد پدرم (یعقوب) برده

Take this shirt of mine



فَالْقُوَّةُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا

و به روی او افکنید تا دیدگانش باز بینا شود آن گاه (او و) همهٔ اهل بیت
and throw it over my father's face; he will become sighted [again].

وَآتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ ٤

و خویشان خود را (از کنعان به مصر) نزد من آرید. (۹۳)

Bring me all your family." (93)



وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ

و چون کاروان از مصر بیرون آمد یعقوب گفت:

As the caravan set out, their father said:

إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ ز

اگر مرا تخطئه نکنید من بوی یوسف را

"I smell a breath from Joseph,



لَوْلَا أَنْ تَفِنِدُونَ ﴿٩٤﴾ قَالُوا تَاللَّهِ

می شنوم. (۹۴) شنوندگان گفتند: قسم به خدا که تو از قدیم الایام تا کنون (از شوق یوسف) **even though you may think I am dotting." (94) They said:**

إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ ﴿٩٥﴾

حواست پریشان و عقلت مشوش است (که هنوز بوی یوسف می شنوی). (۹۵) **"By God, you are still in your old error!" (95)**



فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ

پس از آنکه بشیر آمد (و بشارت یوسف آورد) پیراهن او را

When an advance rider came,

عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا

به رخسارش افکند و دیدهٔ انتظارش (به وصل) روشن شد،

he threw it over his face, and his sight was restored.



قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ

گفت: به شما نگفتم که

He said: "Did I not tell you

إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ٩٦

از (لطف) خدا به چیزی آگاهم که شما آگه نیستید؟! (۹۶)

that through God I know something that you do not know?" (96)



قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

در آن حال برادران یوسف عرضه داشتند: ای پدر بر تقصیراتمان از خدا
They said: "Our father, seek us forgiveness for our offences!"

إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ﴿٩٧﴾

آمزش طلب که ما خطای بزرگ مرتکب شده ایم. (۹۷)
We have been mistaken." (97)



قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي

پدر گفت: به زودی از درگاه خدا برای شما آمرزش می طلبم
 He said: "I shall seek forgiveness for you from my Lord;

إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

۹۸

که او بسیار آمرزنده و مهربان است. (۹۸)
 He is the Forgiving, the Merciful." (98)



فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُونُسَ

پس چون بر یوسف وارد شدند،
When they entered Joseph's office,

ءَاوَىٰ إِلَىٰ آبَوَيْهِ

یوسف پدر و مادر خود را در آغوش آورد
he took both his parents aside



وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ

و (از آنجا که به استقبالشان آمده بود) گفت: به شهر مصر در آید
and said: "Enter Egypt safely,

۹۹ **إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَامِنِينَ**

که ان شاء الله ایمن خواهید بود. (۹۹)
if God wishes." (99)



وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ

و پدر و مادر را بر تخت بنشاند و آنها همگی
He helped his parents up on to the platform,

وَخَرُّوا لَهُ وَسَجَدًا

پیش او (به شکرانه دیدار او، خدا را) سجده کردند،
and they fell down on their knees before him.



وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ

و یوسف در آن حال گفت: ای پدر، این بود تعبیر خوابی که از این پیش
 He said: "My father, this is the interpretation of my earlier vision.

مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا

دیدم، که خدای من آن خواب را واقع و محقق گردانید
 My Lord has made it come true!



وَقَدْ أَحْسَنَ بِي

و درباره من احسان فراوان فرمود

He was Kind to me

إِذَا أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ

که مرا از تاریکی زندان نجات داد

when He let me out of jail,



وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ

و شما را از بیابان دور به اینجا آورد پس از آنکه
and brought you in from wandering on the desert

نَزَعَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي

شیطان میان من و برادرانم فساد کرد،
after Satan had stirred up trouble between me and my brothers.



۹۱
إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ ج

که خدای من لطف و کرمش به آنچه مشیتش تعلق گیرد شامل شود
My Lord is Gracious in whatever way He wishes;

إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ
۱۰۰

و هم او دانا و محکم کار است. (۱۰۰)
He is the Aware, the Wise. (100)



رَبِّ قَدْ ءَاتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ

بار الهما، تو مرا از سلطنت (و عزت) بهره دادی

"My lord, you have given me control

وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ

و از علم رؤیا و تعبیر خوابها بیاموختی،

and taught me how to interpret events.



فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

ای آفریننده زمین و آسمان،

Originator of Heaven and Earth,

أَنْتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

تویی ولی نعمت و محبوب من در دنیا و آخرت،

You are my Patron in this world and the Hereafter.



تَوَفِّيْ مُسْلِمًا

مرا به تسلیم و رضای خود بمیران

Gather me in as a Muslim

وَاجْتَمِعْنِي بِالصَّالِحِينَ

۱۰۱

و به صالحانم بپیوند. (۱۰۱)

and unite me with honorable men!" (101)



ذٰلِكَ مِنْ اَنْبِآءِ الْغَيْبِ

(ای رسول ما) این حکایت از اخبار غیب بود

Such are some of the news from the Unseen

نُوحِيهِ اِلَيْكَ

که بر تو به وحی می‌رسانیم

We inspire you with.



وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا

و (گر نه) تو آنجا که برادران یوسف

You were not in their presence when they agreed

۱۰۲

أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ

بر مکر و حيله تصميم گرفتند حاضر نبودى. (۱۰۲)

on their affair and were plotting. (102)



وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ

و تو هر چند جهد و ترغیب در ایمان مردم کنی
Yet most men will not become believers,

۱۰۳

وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ

باز اکثر آنان ایمان نخواهند آورد (دل پاکت را زیاد رنجه مدار). (۱۰۳)
no matter how eager you may be. (103)



وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ج

و تو از امت خود اجر رسالت نمی خواهی،

You need not ask them for any payment for it;

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ع

۱۰۴

این کتاب غرضی جز آنکه اهل عالم را متذکر و بیدار سازد ندارد. (۱۰۴)

it [serves] only as a Reminder to [everybody in] the Universe. (104)

وَكَأَيِّنْ مِنْ آيَاتٍ

و (این مردم بی خرد) چه بسیار
How many a sign

فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

بر آیات و نشانه‌ها (ی قدرت حق)
do they pass by in Heaven and Earth,



يَمْرُونَ عَلَيْهَا

در آسمانها و زمین می گذرند

and pay

وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ

۱۰۵

و از آن روی می گردانند. (۱۰۵)

no attention to them? (105)



وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ

و اکثر خلق به خدا ایمان نمی آورند مگر آنکه مشرک باشند

Most of them do not believe in God

إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ

(و جز خدا امور دیگر را نیز مؤثر در انتظام عالم دانند). (۱۰۶)

unless they associate [others with Him]. (106)



أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ

آیا (مردم کافر) ایمن از آنند

Do they feel confident

غَاشِيَةٍ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ

که عذابی از (قهر) خدا بر آنها احاطه کند

that a sample of God's torment may not come to them,



أَوْ تَأْتِيهِمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً

یا آنکه ساعت مرگ و قیامتشان ناگهان فرا رسد
or the [final] Hour will come upon them suddenly,

وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

۱۰۷

که در آن حال غافل باشند؟ (۱۰۷)
while they do not suspect it? (107)



قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ

بگو: طریقه من و پیروانم همین است که خلق را
 SAY: "This is my way. I and anyone who follows me,

عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي

به خدا با بینایی و بصیرت دعوت کنیم،
 appeal to God through insight.



وَسُبْحَانَ اللَّهِ

و خدا را از شرک و شریک منزه دانم

Glory be to God!

وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

۱۰۸

و هرگز به خدای یکتا شرک نیاورم. (۱۰۸)

I am no associator." (108)



وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا

و ما هیچ کس را پیش از تو به رسالت نفرستادیم جز آنکه رسولان همه
We have not sent anyone before you except men from among

نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى

(مانند تو) مردانی بودند از اهل شهرهای دنیا که به وحی ما مؤید شدند،
the townspeople whom We have inspired.



أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا

(اینان که به انکار رسول به راه کفر و باطل می‌روند) آیا در روی زمین سیر

Have they not travelled around the earth

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

نکرده‌اند تا عاقبت حال پیشینیان‌شان را (که چگونه هلاک شدند) بنگرند؟

and seen what the outcome was for those who preceded them? 

وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا

و محققاً سرای آخرت برای اهل تقوا (از حیات دنیا) بسیار نیکوتر است،
A home in the Hereafter will be better for those who do their duty.

أَفَلَا تَعْقِلُونَ

۱۰۹

آیا تعقل نمی‌کنید؟! (۱۰۹)

Will they not use their reason (109)



حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَرَ الرُّسُلُ وَظَنُوا

(مردم با انبیاء چندان ضدیت کردند) تا آنجا که رسولان مأیوس شده و گمان کردند که وعده
so that once messengers despair and think that

أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا

نصرت خدا خلاف خواهد شد (یا گمان کردند که دیگر هیچ کس تصدیق آنها نخواهد کرد)
they have been lied to, Our support will come to them



فَنَجِي مَنْ نَشَاءُ وَلَا يَرُدُّ بَأْسُنَا

در آن حال یاری ما بدیشان فرا رسید تا هر که ما خواستیم نجات داده
and anyone We wish to will be saved? Our might

عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ



شد، و نیز قهر و انتقام ما از بدکاران عالم باز گردانده نخواهد شد. (۱۱۰)
is never averted from criminal folk. (110)



لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ

همانا در حکایت آنان برای صاحبان عقل

There is a lesson in their stories

لِأُولِي الْأَلْبَابِ

عبرت کامل خواهد بود.

for prudent persons.



مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ

این قرآن نه سخنی است که فرا توان بافت

It is not some report which has been invented

وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ

لیکن کتب آسمانی پیش از خود را هم تصدیق کرده

but confirmation of what has existed previously



وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ

و هر چیزی را (که راجع به سعادت دنیا و آخرت خلق است) مفصل بیان می‌کند
and an analysis of everything,

وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ



و برای اهل ایمان هدایت و (سعادت و) رحمت خواهد بود. (۱۱۱)
as well as guidance and mercy for folk who believe. (111)



سوره ۱۳ - ۴۳ آیه - مدنی ﴿ سُورَةُ الرَّعْدِ ﴾

Surah 13: (Ar-Ra'd)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



الْمَرَج

المر (رمزی بین خدا و رسول است)

A.L.M.R.

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ ط

این است آیات کتاب خدا

These are verses from the Book;



وَالَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ

و قرآنی که به حق و راستی بر تو از جانب پروردگارت نازل گردید
 what has been sent down to you by your Lord is the Truth,

وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١﴾

و لیکن اکثر مردمان به آن ایمان نمی آورند. (۱)
 even though most men do not believe so. (1)



اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ

خداست آن ذات پاکی که آسمانها را چنان که می‌نگرید

God is the One Who has raised up the Heavens without any support

تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ

بی‌ستون برافراشت آن گاه بر عرش (قدرت بر وجود کل) قرار گرفت

you can see. Then He mounted on the Throne



وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۚ

و خورشید و ماه را مسخر اراده خود ساخت
and regulated the sun and moon;

كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ

که هر کدام در وقت خاص به گردش آیند،
each runs along on a specific course.



يُدَبِّرُ الْأُمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ

امر عالم را منظم می سازد و آیات (قدرت) را با دلایلی مفصل بیان می دارد،

He directs the matter; He manifests signs

لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ ﴿٢﴾

باشد که شما به ملاقات پروردگار خود یقین کنید. (۲)

so that you may be convinced about meeting your Lord. (2)



وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ

و اوست خدایی که بساط زمین را بگسترده
He is the One Who has spread the earth out

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا

و در آن کوهها برافراشت و نهرها جاری ساخت
and placed headlands and rivers on it,



وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا

و از هر گونه میوه یک جفت

and has placed two pairs for every kind of

زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ

پدید آورد، شب تار را به روز روشن بپوشاند،

fruit on it. He wraps daylight up in night.



إِن فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ

همانا در این امور متفکران را

In that are signs



لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

دلایلی روشن (بر قدرت آفریدگار) است. (۳)

for folk who meditate. (3)



وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ

و در زمین قطعاتی مجاور و متصل است (که آثار هر قطعه مابین قطعه دیگر است)

On the earth are neighboring tracts, and vineyards,

وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٍ

زمینی برای تاکستان و باغ انگور قابل است، و یک جا برای زراعت غلات،

cultivated fields and datepalms,



وَ نَخِيلٌ صِنُوانٌ وَ غَيْرُ صِنُوانٍ

و زمینی برای نخلستان آن هم نخلهای گوناگون
[growing] in clumps and all alone,

يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ

که همه با یک آب، مشروب می شوند
watered from a single source.



وَنَفِضِلُ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ

ولی ما بعضی را در نوع میوه، بر بعضی برتری می دهیم،
We make some of them excel others in food value.

۴

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

و این امور عاقلان را ادله واضحی (بر حکمت صانع) است. (۴)
In that are signs for folk who use their reason. (4)



وَإِنْ تَعْجَبُ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَءِذَا

و اگر تو را جای تعجب (به کار منکران) است عجب قول منکران معاد است
 If you should feel astonished, then how much more astonishing is their

كُنَّا تُرَابًا أَمْ لَنَا فِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ط

که می‌گویند: آیا ما چون خاک شدیم باز از نو خلق خواهیم شد؟
 statement: "When we have become dust, shall we [end up] in



أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ

اینان هستند که به خدای خود کافر شدند

some fresh creation?" Those are the ones who disbelieve in their

وَأُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ

و هم اینان زنجیرها (ی قهر و عذاب) بر گردن دارند

Lord; such (persons) will have fetters [placed] around their necks

وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ

و هم اینان اصحاب دوزخند
and those will become inmates of the Fire,



هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

و در آن همیشه معذبند. (۵)
to live there for ever. (5)



وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ

(ای رسول ما) کافران پیش از تقاضای آمرزش و احسان

They want to hasten you on to commit evil

قَبْلَ الْحُسْنَةِ

(به تمسخر) از تو تقاضای تعجیل در عذاب می‌کنند؟

rather than [to perform] a fine deed.



وَقَدْ خَلَتْ

در صورتی که

Examples

مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثَلَاتِ

چه عقوبت‌های عبرت‌آموز بر امتان کافر گذشته رسید!

have already been set before them.



وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى

و خدا بر ظلم خلق هم بسیار صاحب عفو و مغفرت است

Your Lord possesses forgiveness for mankind, no matter how wrong

ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ ٦

و هم صاحب قهر و انتقام سخت است. (۶)

they are; though your Lord still is Stern with punishment. (6)



وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا

و باز کافران (به طعنه) می‌گویند که چرا از خدایش بر او آیت و معجزه‌ای

Those who disbelieve say:

لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ

فرستاده نشد؟ (باید بدانند که) تنها وظیفه تو اندرز و ترسانیدن (خلق

"If only a sign were sent down from his Lord!"



إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ

از نافرمانی خدا) است و هر قومی را (از طرف خدا) رهنمایی است. (۷)
 Yet you are only a warner; each folk has a guide. (7)

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى

تنها خدا می داند که بار حمل آبستنان عالم چیست
 God knows what every female bears,



وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ

و باررحمها چه نقصان و چه زیادت آرند،

and how some wombs may miscarry or else may wait too long.

وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ

و مقدار همه چیز در علم ازلی خدا معین است. (۸)

Everything has its measure with Him; (8)



عَالِمُ الْغَيْبِ

اوست عالم به عوالم غیب

Knowing the Unseen

وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ ۙ

و شهود و بزرگ خدای متعال (برتر از هر وصف و ادراک عقول). (۹)

and the Visible, [He is] the Great, the Exalted! (9)



سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسْرَأَ الْقَوْلَ

در پیشگاه علم ازلی آن کس از شما که سخن به سرّ گوید

It is all the same for you whether one of you is secretive about

وَمَنْ جَهَرَ بِهِ

یا آشکار

what he says or speaks out about it,



وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ

و آن که در ظلمت شب پنهان است یا در روشنی روز به کار و فعالیت
and whether one keeps to himself at night

وَسَارِبٍ بِالنَّهَارِ ۱۰

مشغول است، همه یکسانند (و خدا بر همه آگاه است). (۱۰)
and struts around by day: (10)



لَهُ وَمَعْقِبَاتٍ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ

برای هر کس پاسبانه‌ها از پیش رو
he has [angels] checking from both before him

وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ

و پشت سر برگماشته شده که به امر خدا او را نگهبانی کنند.
and behind him; they guard him at God's command.



إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ

خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد

God does not change what any people may have

حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند (و از نیکی به بدی شتابند)،

until they change whatever they themselves have.



وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَ

و هر گاه خدا اراده کند که قومی را (به بدی اعمالشان) عقاب کند هیچ راه دفاعی
Whenever God wants something bad [to happen] to any people, there

لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَاِلٰٓ


نباشد و برای آنان هیچ کس را جز خدا یارای آنکه آن بلا بگرداند نیست. (۱۱)
is no way to avert it nor have they any patron except for Him. (11)

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ الْبُرْقَ خَوْفًا

اوست که برای بیم (از قهر) و امید (به رحمت) خود

He is the One Who shows you lightning to inspire both fear

وَطَمَعًا وَيُنشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ ۱۲

برق را به شما می‌نماید و ابرهای سنگین را پدید می‌آورد. (۱۲)
and expectation. He whips up the heavy clouds. (12)



۱۴۲
وَيَسْبِيحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ

و رعد (و برق و همه قوای عالم غیب و شهود) و جمیع فرشتگان همه از بیم
Thunder hymns His praise while angels stand in awe of Him.

مِنْ خَيْفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ

(قهر) خدا به تسبیح و ستایش او مشغولند، و صاعقه ها را
He sends down thunderbolts and strikes anyone



فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ

بر سر هر قومی بخواهد می فرستد، باز هم کافران

He wishes with them. Yet they argue on

فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ ۱۳

در (قدرت) خدا جدل می کنند با آنکه او سخت انتقام است. (۱۳)

and on about God while He is Stern in strategy. (13)



لَهُ دَعْوَةٌ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ

دعوت خدا (و رسولانش) به حق و حقیقت است و بتهایی که
 To him should go the appeal for Truth; those they appeal

مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ

مشرکان به جای خدا می خوانند هیچ حاجتی را از آنها برنیاورند
 to instead of Him will never respond to them in any way,



إِلَّا كَبَّاسِطٍ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ

و تنها مانند آن کس اند که به سوی آبی دست دراز کند
 except as someone does who stretches out his palms for water,

لِيَبْلُغَ فَاَهُوَ مَا هُوَ بِبَالِغِهِ

که بیاشامد ولی آب به دهانش نرسد،
 so it may reach his mouth since he himself can never reach it.



وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ

و دعای کافران

An appeal by disbelievers



إِلَّا فِي ضَلَالٍ

جز در (حرمان و) ضلالت نیست. (۱۴)

merely goes astray. (14)



وَاللَّهُ يَسْجُدُ

هر که در آسمانها

Whoever is in Heaven

مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

و زمین است با همه آثار و جودیش

and Earth bows down on their knees before God obediently



طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ

به رغبت و اشتیاق و به اکراه و الزام،
or grudgingly, just as their shadows do so

سجده مستحب

بِالْغَدُوِّ وَالْأُصَالِ

۱۵



شب و روز به سجده (و طاعت) خدا مشغول است. (۱۵)
in the morning and the evening. (15)



قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

بگو که آفریننده آسمانها و زمین کیست؟

SAY: "Who is Lord of Heaven and Earth?"

قُلِ اللهُ

بگو: خداست،

SAY: "God [Alone]."



قُلْ أَفَأَتَّخِذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ

پس بگو: آیا شما خدا را گذارده و غیر خدا (مانند بتان و فرعونان) را برای نگهبانی

SAY: "Yet have you adopted patrons besides Him

لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا

و یاری خود بر گرفتید در صورتی که آنها بر سود و زیان خود هم قادر نیستند؟

who control no benefit nor any harm by themselves?"



قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ

آن گاه بگو: آیا چشم نابینا (ی جاهل) و دیده بینا (ی عالم) یکسان است؟

SAY: "Are the blind and the sighted person equal?"

أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ

یا ظلمات (شرک و بت پرستی) با نور (معرفت و خداپرستی) مساوی است؟

Or is darkness equal to light?



أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ

یا آنکه این مشرکان شریکانی برای خدا قرار دادند که آنها هم مانند خدا،
Or have they given God associates whom they have created just as

فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ

چیزی خلق کردند و بر مشرکان، خلق خدا و خلق شریکان خدا مشتبه گردید؟
He creates, so that all creation seems just the same to them?"

قُلِ اللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ

(هرگز چنین نیست) بگو: تنها خدا خالق هر چیز است

SAY: "God is the Creator of everything;

وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۱۶

و او خدای یکتایی است که همهٔ عالم مقهور ارادهٔ اوست. (۱۶)

He exists Alone, the Irresistible. (16)



أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ

خدا از آسمان آبی نازل کرد که در هر رودی به قدر وسعت و ظرفیتش

He sends down water from the sky so that river valleys flow

بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا

سیل آب جاری شد و بر روی سیل، کفی بر آمد چنان که فلزاتی را نیز

according to how much there is. The torrent carries along swelling foam,

وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ

که برای تجمل و زینت (مانند طلا و نقره) یا برای اثاث و ظروف (مانند آهن
foam just like what comes out of fire they have kindled to smelt

حَلِيَّةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ

و مس) در آتش ذوب کنند مثل آب کفی برآورد،
jewelry or some equipment with.



كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ

خدا به مثل این (آب و فلزات و کف روی آنها) برای حق و باطل مثل می زند
Even so God knocks Truth and falsehood together [to compare them].

فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً

که (باطل چون) آن کف به زودی نابود می شود
As for the foam, the scum will go away;



وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ

و اما (حق چون) آن آب و فلز که به خیر و منفعت مردم است
while whatever benefits mankind lingers

فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ ج

در زمین درنگ می کند.
on in the earth.



كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ



خدا مثلها را بدین روشنی بیان می‌کند. (۱۷)

Thus God compares things with one another. (17)

لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحُسْنَىٰ

آنان که دعوت حق را اجابت کرده و به خدا ایمان آوردند

Those who respond to their Lord will have the finest [reward]



وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ

بر آنها بهترین پاداش و خوش‌ترین زندگانی است،
while those who do not respond to Him,

لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا

و آنان که اجابت نکردند اگر مالک همه آنچه در روی زمین است باشند
even if they had everything on earth and the like of it besides,



وَمِثْلَهُ وَمَعَهُ لَافْتَدُوا بِهِ ج

هر آینه آن را فدای آسایش خود کنند (مگر از عذاب برهند و هرگز نجات نیابند)،
would never redeem themselves with it.

أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ

آنها را حساب، سخت

Those will have the worst reckoning;



وَمَا أُولَئِكَ إِلَّا فِي
جَهَنَّمَ يَكْفُرُونَ

و جایگاه دوزخ باشد
their refuge will be Hell

وَبِئْسَ الْمِهَادُ
ع ۱۸

که بسیار بد آرامگاهی است. (۱۸)
and how awful a resting place it is! (18)



۞ أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ

آیا مسلمانی که به یقین می‌داند که این قرآن به حق از جانب خدا
Is someone who knows how whatever has been sent down to you

مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى

بر تو نازل شده است با کافر نابینای جاهل یکسان است؟
from your Lord is the Truth, like someone who is blind?





إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ

تنها عاقلان متذکر این حقیقتند. (۱۹)

Only prudent persons bear it in mind, (19)

الَّذِينَ يُوْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ

عاقلان آنهایند که به عهد خدا وفا می کنند

those who fulfil God's agreement



وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ



و پیمان حق را نمی شکنند. (۲۰)

and do not break the covenant, (20)

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ

و هم به آنچه خدا امر به پیوند آن کرده (مانند صلۀ رحم

who transmit anything God has ordered to be transmitted,



أَنْ يُوَصَّلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ

و محبت اهل ایمان و علم) می پیوندند و از خدای خود می ترسند
and dread their Lord

وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ۲۱

و از سختی هنگام حساب می اندیشند. (۲۱)
and fear the worst reckoning, (21)



وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ

و هم در طلب رضای خدا راه صبر پیش می گیرند
 who persevere in seeking their Lord's countenance

وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

و نماز به پا می دارند
 and keep up prayer



وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

و از آنچه نصیبشان کردیم
and spend whatever We have provided them

سِرًّا وَعَلَانِيَةً

پنهان و آشکار انفاق می کنند
with both secretly and publicly,



وَيَذُرُّونَ بِالْحُسْنَى السَّيِّئَةَ

و در عوض بدیهای مردم نیکی می کنند،
and ward off evil with good;

أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ۲۲

اینان هستند که عاقبت منزلگاه نیکو یابند. (۲۲)

those will have the compensation of the [final] Home, (22)



جَنَّاتٍ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ

که آن منزل، بهشتهای عدن است که در آن بهشتهای خود

gardens of Eden which they will enter, as well as anyone who has acted

مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ

و همه پدران و زنان و فرزندان شایسته آنها داخل می شوند

honorably among their forefathers, their spouses and their offspring.

وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ

در حالی که فرشتگان بر (تهنیت) آنها

Angels will come in on them

مِنْ كُلِّ بَابٍ ۲۳

از هر در وارد می‌گردند. (۲۳)

by every gate: (23)



سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ ج

(و می‌گویند) سلام و تحیت بر شما باد که صبر پیشه کردید،
 "Peace be upon you because you have acted so patiently!"

فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ٢٤

و بس نیک است سرانجام این سرای. (۲۴)

How blissful will the compensation of the Home be! (24)



وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ

و آنان که پس از پیمان بستن (با خدا و رسول)
Those who have broken God's agreement

مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ

عهد خدا را می شکنند
after having pledged it,



وَيَقْطَعُونَ مَا آمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ

و هم از آنچه خدا امر به پیوند آن کرده پاک می‌گسلند
and intercepted what God has commanded to be transmitted,

وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ

و در روی زمین فساد و فتنه بر می‌انگیزند
and acted depraved on earth



أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ

اینان را لعن (خدا)
will have the Curse

وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ (۲۵)

و منزلگاه عذاب سخت دوزخ نصیب است. (۲۵)
and theirs will be the worst home! (25)



اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ

خدا هر که را خواهد فراخ روزی و هر که را خواهد

God extends and measures out sustenance for anyone

وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا

تنگ روزی می گرداند، و (این مردم کافر) به زندگانی و متاع دنیا دلشادند

He wishes, while they are happy with worldly life.



وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ

در صورتی که دنیا در قبال آخرت،

Yet what is worldly life compared with the Hereafter

الْأَمْتَاعُ

۲۶

متاعی (موقت و ناقابل) بیش نیست. (۲۶)

except as something to be enjoyed [as it passes]? (26)



وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا

و کافران (مکه) می گویند:

Those who disbelieve say:

لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ

چرا آیت و حجت قاطعی از خدا بر (اثبات نبوت) او نازل نشد؟

"If only a sign were sent down to him from his Lord!"



قُلْ إِنْ أَرَادَ اللَّهُ بِشَيْءٍ قُدْرَةً لَأَنزِلَ بِهِ السَّمَاءَ كَمَا نَزَّلَ الْهَبْلَ الْأَسْوَدَ وَجَاءَ السَّحَابَ الْمَوْبِقَ الَّذِي يُرْسِلُ بِهِ السَّيْلَ الْكَبِيرَ

تو به آنها بگو که (حجت قاطعی مانند قرآن و معجزات دیگر آمد اکنون) خدا هر که

SAY: "God lets anyone He wishes go astray,

وَيَهْدِي إِلَىٰ ذَاتِ النَّوَابِغِ الَّذِينَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُرَوِّعُونَ أَعْيُنَ النَّاسِ عَنِ حُرْمَتِ اللَّهِ أَلَّا يُحِلَّ اللَّهُ فِعْلَهُمْ وَأَلَّا يَكُونُوا عِشْرَنَ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْسِدُونَ

را خواهد گمراه و هر که را که به درگاه او تضرع و انابه کند هدایت می‌کند. (۲۷)

and guides to Himself anyone who feels concerned (27)



الَّذِينَ آمَنُوا

آنہا کہ بہ خدا ایمان آوردہ
the ones who believe

وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ

و دلہاشان بہ یاد خدا آرام می گیرد،
and whose hearts feel tranquil through remembering God



أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ

آگاه شوید که تنها یاد خدا
"Surely hearts feel tranquil



تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ

آرام بخش دلهاست. (۲۸)
whenever God is mentioned!" (28)



الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

آنان که به خدا ایمان آورده و به کار نیکو پرداختند
Those who believe and perform honorable deeds

طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ ۲۹

خوشا بر احوال آنها، و بازگشت و مقام نیکو، آنها راست. (۲۹)
will find gladness and the finest journey's end. (29)



كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ

ما تو را میان خلقی به رسالت فرستادیم که پیش از این هم (پیغمبران و)

Thus We have sent you to a nation-

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ

امت‌های دیگر به جایشان بوده و در گذشتند

nations have passed away long before it-so you may recite to them

لِتَتْلُوا عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ

(امر تازه‌ای نیست که تو را به رسالت فرستادیم) تا بر آنها آنچه از ما به وحی

what We have inspired you with even though

وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ ج

بر تو رسد تلاوت کنی در حالی که آنها به خدای مهربان کافر می‌شوند،

they disbelieve in the Mercy- giving!



قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

بگو: او خدای من است و جز او خدایی نیست،
SAY: "He is my Lord: there is no God except Him.

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ ﴿٣٠﴾

من بر او توکل کرده‌ام و روی امیدم همه به سوی اوست. (۳۰)
On Him do I rely and towards Him [goes] my repentance." (30)



وَلَوْ أَنَّ قُرْءَانًا سِيرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ

و اگر قرآنی بود که با (اعجاز بیان) آن کوه‌ها به رفتار می‌آمد و زمین از هم
 If there were only some Qur'an by which the mountains would travel

قَطِيعَتْ بِهِنَّ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِنَّ الْمَوْتَىٰ

می‌شکافت و با مردگان سخن گفته می‌شد (همین قرآن با عظمت است
 away or the earth would crack open, or the dead would speak out!

بَلِ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا ط

که با وجود آن باز ایمان نمی آورند). بلکه فرمان همهٔ عالم با خداست (هر چه

Rather command is wholly God's.

أَفَلَمْ يَأْيَسِ الَّذِينَ آمَنُوا

خواهد به مشیّت ازلی می کند) آیا مؤمنان هنوز ندانسته اند

Do not those who believe despair,



أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ

که خدا اگر بخواهد

because God might have guided

لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا

همه مردم را (به الزام و جبر) هدایت می کند؟

all mankind had He so wished?



وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ

و (این نه مصلحت است زیرا باید) کافران پیوسته از کردار زشتشان

Disaster will continually afflict those who disbelieve

بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةً

به کیفر و سرکوبی رسند

because of what they produce,



أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّنْ دَارِهِمْ

یا مصیبتی نزدیک دیار آنها فرود آید
or it will settle down close to their home

حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ

تا آن گاه که (در محشر هم) وعده خدا (بر هلاک آنها) فرا رسد،
until God's promise comes true.




 إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ^ع

که خدا خلاف وعده نخواهد کرد. (۳۱)

God does not break any appointment (31)

وَلَقَدْ اسْتَهْزَىٰ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ

و مردم به رسولان پیش از تو هم استهزاء بسیار کردند

Messengers have been ridiculed before you (came),



فَأَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ

من هم به کافران فرصت دادم آن گاه ایشان را به عقوبت گرفته
and I have been indulgent with those who disbelieve; then I seized

فَكَيْفَ كَانَتْ عِقَابِي

۳۲

و با چه عقاب سخت به کیفر رسانیدم. (۳۲)
them. What was My punishment like? (32)



أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ

آیا خدایی که نگهبان همه نفوس عالم

Who is there standing over every soul [checking up]

بِمَا كَسَبَتْ

با آثارشان است (فراموش کردند)؟

on whatever it has earned,



وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ

و برای خدا شریکانی جعل کردند، بگو که نام خدایان خود برگویید
 while they give God associates?

قُلْ سَمُوهُمْ

(که اینها کیستند و اثر اینان چیست و از چه رو مستحق پرستش شدند؟)
 SAY: "Name them!"



أَمْ تَنْبِئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ

یا این که شما مردم نادان می‌خواهید خدا را به چیزی که

Or will you inform Him about something on earth He does not know,

أَمْ بِظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ ط

در زمین از آن آگاه نیست آگه سازید؟!

or is it just a display of words?"



بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرَهُمْ

یا آنکه به ظاهر سخنی (که خود هم حقیقتی بر آن قائل نیستید) می‌گویید؟
Rather those who disbelieve feel their scheme is attractive

وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ ط

بلکه کافران را مکر و فسونشان در نظر زیبا آمده و از راه خدا باز ماندند،
while they are diverted from the Path.





وَمَنْ يُضَلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

و هر کس را خدا به گمراهی واگذارد دیگر هیچ کس وی را هدایت نتواند کرد. (۳۳)

Anyone whom God lets go astray will have no guide. (33)

لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

چنین گمراهان در زندگانی دنیا (به انواع بلا) معذبند

Theirs will be torment during worldly life,



وَلَعَذَابُ الْأُخْرَةِ أَشَقُّ ز

و البته عذاب عالم آخرت سخت تر است،

while torment in the Hereafter will be even more heartrending.

وَمَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ۳۴

و از (قهر) خدا ابداً نگهداری ندارند. (۳۴)

They will have no one to shield them from God. (34)



مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ ﴿١٩٨﴾

وصف بهشتی که متقیان را وعده دادند

[Here] is what the Garden which the heedful are promised

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ﴿١٩٩﴾

چنان است که نهرها زیر درختانش جاری است

will be like: rivers will flow through it;



أَكْلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا ج

و ماکولاتش ہمیشگی و سایه آن برقرار است،
its food and its shade shall be perpetual.

تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا ج

این بهشت سرانجام اهل تقواست

Such is the compensation for those who have done their duty,



وَعُقُبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ

۳۵

و سرانجام کافران آتش دوزخ است. (۳۵)

while the outcome for disbelievers will be the Fire. (35)

وَالَّذِينَ

ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ

و آنان که ما بر آنها کتاب فرستادیم (یعنی مؤمنان اهل کتاب و مسلمانان)


Those whom We have given the Book



يَفْرَحُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ

به این (کتاب با عظمت قرآن) که بر تو نازل شد بسیار خوشوقتند،
to are happy with what has been sent down to you;

وَمِنْ الْأَحْزَابِ مَنْ يَنْكُرُ بَعْضَهُ

و جماعتی از آنها (مانند کفار اهل کتاب و قریش) برخی آیات را انکار می کنند.
yet among the factions there are some who disregard part of it. 

قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ

بگو: من مأمورم که خدای یکتا را پرستم

SAY: "I am only ordered to serve God [Alone]"

وَلَا أُشْرِكُ بِهِ

و هرگز به او شرک نیاورم،

and not associate anything with Him.



إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَعَابِدٌ

۳۶

به سوی او دعوت می‌کنم و بازگشت من به سوی اوست. (۳۶)
 To Him do I appeal and towards Him will be my retreat." (36)

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا

و همچنین ما قرآن را کتابی با حکمت و فصاحت عربی فرستادیم،
 Thus We have sent it down for Arab discretion.



وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ

و اگر با این علم و دانش که بر تو آمد

If you followed their whims

بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ

باز پیرو میل جاهلانۀ آنها شدی

after the sort of knowledge which has come to you,



مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ

دیگر مدد و نگهبانی از (قهر) خدا
you would have no protector

وَلَا وَاقِبٍ



نخواهی داشت. (۳۷)

nor any shield against God. (37)



وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ

و محققاً ما رسولانی پیش از تو فرستادیم و برای همه آنان (مانند تو) زنان و فرزندان
We have sent messengers before you [came],

وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً

مقرر نمودیم (یعنی همه رسل بشر بودند، یکی فرشته نبود که از لوازم بشری بی نیاز باشد)
and granted them spouses and offspring.



وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ

و هیچ پیغمبری را نرسد که بی اذن خدا آیت

No messenger would have brought any sign except with God's

إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ

و معجزی آورد، که هر امری را وقتی معین مرقوم است. (۳۸)

permission. For each period there is something written (down). (38)

يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ

خدا هر چه را خواهد (از احکام یا حوادث عالم) محو و هر چه را خواهد
 God erases and consolidates whatever He wishes

وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ

اثبات می‌کند و اصل کتاب (آفرینش) نزد اوست. (۳۹)
 He retains the Mother of the Book. (39)



وَإِنَّمَا نُرِيَنَّكَ

و اگر ما (در حیات تو) بر تو برخی از آن وعده عذابی که به کافران دادیم

Whether We merely show you

بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفِّيَنَّكَ

پدیدار کنیم یا آنکه (پیش از آن وقت) تو را به دیدار آخرت بریم،

part of what We have promised them or cause you to pass away, 

فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ

به هر حال بر تو تبلیغ (حکم خدا) و بر ما حساب (خلق) است (و تعیین
you merely have to proclaim it,

وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ



وقت عذاب و حساب یا عفو بندگان از وظایف نبوت نیست). (۴۰)
while We must reckon. (40)



أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ

آیا مردم ندیدند که ما (به فرستادن رسولان) عزم سرزمین (کافران جاهل)

Have they not seen how We come to clip

نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا ج

کرده و از هر طرف آن می‌کاهیم (و بر بلاد و قدرت اهل ایمان می‌افزاییم)؟

the land off at its borders?



وَاللَّهُ يَجْكُم لَا مَعْقِبَ لِحِكْمِهِ ج

و تنها خداست که در جهان فرمان می دهد و هیچ کس بر رد حکمش قادر نیست
God decides; there is no way to reverse His decision.

وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ٤١

و اوست که در یک لحظه حساب همه خلق بی شمار را می کند. (۴۱)
He is Swift in reckoning! (41)



وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

و پیش از اینان هم بسیاری کافران مکرها (بر ضد رسولان) کردند
Those before them have plotted,

فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا

(و عاقبت همه هلاک شدند) که همه مکر و تدبیرها نزد خداست،
even though God [controls] all plotting;



يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ

او می داند هر کس به چه کار و اندیشه است، و کافران

He knows what every soul is earning.

وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقِبِيَ الدَّارِ ۴۲

به زودی خواهند یافت که عاقبت خوش و منزل سعادت برای کیست. (۴۲)

Disbelievers shall know who has compensation in the Home. (42)

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا

و کافران بر تو اعتراض کنند که تو رسول خدا نیستی،
Those who disbelieve say: "You are no emissary."

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ

بگو: تنها گواه بین من و شما، خدا

SAY: "God suffices as a Witness between me and you (all),



وَمَنْ عِنْدَهُ

و عالمان حقیقی به کتاب (خدا که انبیاء و اولیاء و علماء ربّانیند)
as well as anyone who has knowledge

عِلْمُ الْكِتَابِ



کافی خواهد بود. (۴۳)
about the Book." (43)



سوره ۱۴ - ۵۲ آیه - مدنی ﴿ سُورَةُ إِبْرَاهِيمَ ﴾

Surah 14: (Ibrahim)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



الرَّجِ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ

الر (حروف مقطعه و اسرار الهی است) این قرآن کتابی است که ما

A.L.R. We have sent down a Book to you

لِتُخْرِجَ النَّاسَ

به تو فرستادیم تا مردم را به امر خدایشان

in order to bring men



مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

از ظلمات (جهل و کفر) بیرون آری و به عالم نور رسانی
 out of darkness into Light by their Lord's permission,

إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۱

و به راه خدای مقتدر ستوده صفات رهسپار گردانی. (۱)
 towards the road of the Powerful, the Praiseworthy, (1)



اللَّهُ الَّذِي لَهُ

خدایی که

God, Who holds

مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

هر چه در آسمانها و زمین است همه ملک اوست،

whatever is in Heaven and whatever is on Earth.



وَ وَيْلٌ لِّلْكَافِرِينَ

و وای بر کافران

Alas, because disbelievers

مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ۲

از عذابی سخت. (۲)

will have harsh torment, (2)



الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

يعنى آنان که زندگانی دنیا را بر آخرت

those who would rather have worldly life in preference

عَلَى الْآخِرَةِ

مقدم و محبوب تر دارند

to the Hereafter



وَيَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ

و خلق را از راه خدا باز دارند و آن راه راست را
and obstruct God's way,

وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا

(به شک و شبهات) کج کنند،
seeking to make it crooked;





أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

آنان در گمراهی بسیار دورند. (۳)
those stray far afield. (3)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ

و ما هیچ رسولی در میان قومی نفرستادیم
We have not sent any messenger



إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ

مگر به زبان آن قوم تا بر آنها (معارف و احکام الهی را) بیان کند،
 unless he was to explain to them in his folk's own tongue.

فَيُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ

آن گاه خدا هر که را خواهد به ضلالت وا می گذارد
 God lets anyone He wishes go astray,



وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ

و هر که را خواهد به مقام هدایت می‌رساند
and guides anyone He wishes;

وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

و او خدای مقتدر داناست. (۴)

He is the Powerful, the Wise. (4)



وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا

و ما موسی عمران را با آیات خود (با تورات و معجزات، بر فرعونیان)

We sent Moses with Our signs:

أَنَّ أَخْرِجُ قَوْمَكَ

فرستادیم که قومت را

"Lead your people



مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

از ظلمات (جهل و گمراهی) بیرون آور و به عالم نور رسان
out of darkness into Light,

وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ

و روزهای خدا را به یاد آنها آور، که در این یادآوری بر هر شخصی که صبور و شکرگزار است
and remind them of God's days.



إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

دلایل روشنی نهفته است (ایام الله را برخی به ایام عهد الست و روزگار عالم ذر، و برخی به

In that are signs

لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ



ایام ظهور پیغمبران و برخی حوادث عظیم لطف بر مؤمنان و قهر بر کافران تفسیر کرده اند). (۵)

for every patient, grateful person." (5)



وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا

و (ای رسول ما) یاد کن وقتی که موسی به قوم خود گفت: به خاطر آورید

So Moses told his folk: "Remember

نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

این نعمت بزرگ خدا را بر خودتان

God's favor towards you



إِذَا أَنْجَاكُمْ مِنْ أَيْدِي فِرْعَوْنَ

که شما را از فرعونیان نجات داد که آنها شما را
when He saved you from Pharaoh's court,

يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ

به ظلم و شکنجه سخت می افکندند
who had imposed the worst torment on you,



وَيَذِبْحُونَ أَبْنَاءَكُمْ

و پسرانتان را کشته
and slaughtered your sons

وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ

و دخترانتان را (به ذلت و بیچارگی) زنده می گذاشتند
while letting your women live.



وَفِي ذَلِكُمْ

و در این امور

That was

بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ

ابتلا و امتحان بزرگی از جانب خدایتان بر شما بود. (۶)

a serious trial from your Lord." (6)



وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ

و (باز به خاطر آرید) وقتی که خدا اعلام فرمود

So your Lord announced:

لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ

که شما بندگان اگر شکر نعمت به جای آرید بر نعمت شما می افزایم

"If you act grateful, I shall give you even more,





وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

و اگر کفران کنید عذاب من بسیار سخت است. (۷)

while if you are thankless, then My torment will be severe." (7)

وَقَالَ مُوسَىٰ إِنَّ تَكْفُرُوا

و (باز به یاد آرید که) موسی گفت:

Moses said: "Even if you



أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا

اگر شما و همهٔ اهل زمین یک مرتبه کافر شوید
and whoever is on Earth should disregard it,

فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ



خدا (از همه) بی‌نیاز و ستوده صفات است. (۸)

God will still be Transcendent, Praiseworthy." (8)



أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ

آیا اخبار بسیاری

Has not news come to you concerning those

مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ

از پیشینیان شما مانند قوم نوح و عاد و ثمود

who preceded you such as Noah's folk, and 'Ad's and Thamud's,



وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ

و اقوام بعد از اينها كه جز خدا كسى
as well as those who came after them?

لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ

بر احوالشان آگاه نيست به شما نرسيده
Only God knows who they were.



جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

که پیغمبرانشان آیات و معجزات روشن بر آنها آوردند

Messengers brought them explanations

فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ

و آنها (از تعجب و خشم) دست به دهان فرو برده

yet they merely stuffed their hands into their mouths



وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ

می گفتند که ما به هر چه شما پیغمبران مأمور تبلیغ آن هستید
and said: "We disbelieve in what you have been sent with.

وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ

کافریم و هم در آنچه

We are in suspicious doubt



مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿٩﴾

شما ما را بدان دعوت می‌کنید شک و تردید داریم. (۹)
about what you are inviting us to do." (9)

قَالَتْ رُسُلُهُمْ

رسولان در جواب آنها گفتند:

Their messengers said:



أَفِي اللَّهِ شَكٌّ

آیا در خدا

"Is there any doubt about God,

فَأُطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

که آفرینندهٔ آسمانها و زمین است شک توانید کرد؟

the Originator of Heaven and Earth?



يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ

خدایی که شما را به مغفرت و آمرزش از گناهانتان می خواند
 He invites you in order to forgive you some of your offences

وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ج

و می خواهد به اجل معین و عمر طبیعی برساند.
 and to postpone things for you during a specific period."



قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا

باز کافران گفتند: ما شما (پیغمبران) را مثل خود بشری بیشتر نمی دانیم

They said: "You are only human beings like ourselves!"

تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا

که می خواهید ما را از آنچه پدران ما می پرستیدند منع کنید،

You want to divert us



عَمَّا كَانُوا يَعْبُدُ آبَاءَنَا

پس (اگر به راستی پیغمبر هستید) برای ما حجت
from what our forefathers have been worshipping,

فَاتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ۱۰

و معجزی آشکار (که ما را مجبور به ایمان کند) بیاورید. (۱۰)
so bring us some clear authority." (10)



قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ

رسولان باز به کافران پاسخ دادند

Their messengers told them:

إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ

که آری ما هم مانند شما بشری بیش نیستیم

"We are only human like yourselves,



وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَىٰ

لیکن خدا بر هر کس از بندگان که بخواهد
but God showers blessings on

مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

(به نعمت بزرگ نبوت) منت می‌گذارد،
any of His servants whom He wishes.



وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ

و ما را نرسد که برای شما آیت و معجزی الا به اذن

It is not for us to bring you any authority

إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ

و دستور خدا بیاوریم،

except with God's permission.



وَعَلَى اللَّهِ

و مؤمنان (در هر حال)

On God



فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

باید تنها به خدا توکل کنند. (۱۱)

should believers rely." (11)



وَمَا لَنَا إِلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ

و چرا ما بر خدا توکل نکنیم در صورتی که خدا

Why should we not rely on God when He has guided us

وَقَدْ هَدَيْنَا سُبُلَنَا

ما را به راه راستمان هدایت فرموده؟

along our [several] ways?



وَلَنْصَبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا ج

و البته (در راه اطاعت و رضای خدا) بر آزار و ستمهای شما صبر خواهیم کرد،
And so we may patiently endure how you persecute us?

وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ع ۱۲

و ارباب توکل باید (در همه حال خوش و ناخوش) تنها بر خدا توکل کنند. (۱۲)
On God [Alone] should the reliant rely! (12)



وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ

باز کافران به رسولان پاسخ دادند که ما

Those who disbelieved told their messengers:

لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا

البته شما را از شهر و دیار خود بیرون می‌کنیم مگر آنکه به آیین ما

"We'll run you out of our land



أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ

برگردید، در این حال (که رسولان مایوس از ایمان کافران شدند) خدا به آنها
 unless you return to our sect!" Their Lord [however] inspired them

رَبَّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ ۱۳

وحی فرمود که (غم مخورید) البته ما ستمکاران را هلاک خواهیم کرد. (۱۳)
 [as follows]: "We shall wipe out wrongdoers (13)



وَلَنَسْكِنَنَّكُمْ الْأَرْضَ

و محققاً ما شما رسولان (و پیروانتان) را در سرزمین کافران پس از هلاک آنها
and settle you on the land

مِنْ بَعْدِهِمْ

(با آسایش و ایمنی) ساکن می‌گردانیم
to succeed them."



ذٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي

و این (آسایش) نصیب کسی است که از مقام من خائف است

That is [in store] for anyone who fears My position

وَ خَافَ وَعِيدِ ۱۴

و از وعده قهر و عقاب من می ترسد. (۱۴)

and fears My threat. (14)



وَاسْتَفْتَحُوا

و (از خدا) فتح و پیروزی خواستند (و البته فتح و پیروزی بر حسب وعدهٔ ما
They sought to conquer,

وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ۱۵

نصیب رسولان خداست) و نصیب هر ستمگر جبار، هلاکت و حرمان است. (۱۵)
and every stubborn oppressor blundered. (15)



مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ

از پی گردنکش عنود، آتش دوزخ خواهد بود

Beyond him there lies Hell

وَيُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ ۱۶

و آبی که به او آشامند (در دوزخ) آب پلید چرکین است. (۱۶)

where he will be given stagnant water to drink. (16)



يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يَسِيغُهُ

که آن آب پلید را جرعه جرعه می آشامد و هیچ گوارای او نشود،
He will gag on it and not quite swallow it.

وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ

و از هر جانب مرگ به وی روی آور شود
Death will come at him from everywhere,



وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ ز

ولی نمیرد

while he will not quite die.

وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ ۱۷

و فراروی او عذابی سخت خواهد بود. (۱۷)

Beyond him lies harsh torment. (17)



مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ

مَثَلِ اَعْمَالِ كَسَانِي كِه بِه خِدا كَافِر شَدَنَد

The works of those who disbelieve in their Lord

اَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ

بِه خَاكِستری می ماند که در روز تندباد شدید

may be compared to ashes which the wind whips around



فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ ز

همه به باد فنا رود،
on a stormy day.

لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ج

که از همه کوشش خود هیچ نتیجه نبرند.

They cannot do a thing with anything they have earned.



ذَلِكَ

این

That is

هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ

۱۸

همان ضلالت (و حسرت) دور (از طریق نجات) است. (۱۸)

going far afield! (18)



أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ

(ای بشر) آیا ندانستی که خدا

Have you not seen how God

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ

آسمانها و زمین را به حق و برای مقصود بزرگی آفریده

has really created Heaven and Earth?



إِنْ يَشَاءُ يُذْهِبْكُمْ

و اگر بخواهد شما (جنس بشر) همه را در زمین نابود می سازد
If He so wished, He would remove you

وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ

۱۹

و خلقی دیگر از نو می آفریند؟ (۱۹)
and bring on a fresh creation. (19)





وَمَا ذِيكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

و این کار اصلا بر خدا دشوار نیست. (۲۰)
That is not unfeasible for God [to do]. (20)

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا

و (روزی که) مردم از قبرها برانگیخته و به پیشگاه خدا حاضر شوند
They will all march forth to [meet] God,



فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا

آن گاه ضعیفان به گردنکشان گویند:

and the weaklings will tell those who acted so proudly:

إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا

ما (در دنیا) تابع رأی شما بودیم

"We formed a following for you;



فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ

آیا (امروز) شما

can you help us out now

عَنَّْا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ

هیچ از عذاب خدا ما را کفایت خواهید کرد؟

in anyway against God's torment?"



قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ

جواب دهند که اگر ما را از خدا سعادت هدایت بود ما هم شما را هدایت
 They will say: "If God had guided us, then we'd have guided you.

سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرَعْنَا

می‌کردیم، اکنون هر چه جزع و التماس کنیم
 It's all the same for us whether we panic





أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ

یا صبر و تحمل، یکسان است و هیچ (از عذاب) گریزگاهی نداریم. (۲۱)
 or act patient; we'll have no escape." (21)

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ

و چون حکم (قیامت) به پایان رسید (و اهل بهشت از اهل دوزخ جدا شدند)
 Satan will say, once the matter has been settled:

إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقِّ

در آن حال شیطان (برای نکوهش و تمسخر کافران) گوید: خدا به شما به حق
 "God has given you a true promise, while I have both promised you

و وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ

و راستی وعده داد و من به خلاف حقیقت شما را وعده دادم و خلف وعده کردم
 and then broken my word with you.



وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ

و بر شما (برای وعده دروغ خود) هیچ حجت و دلیل قاطعی نیاوردم

I have no authority over you

إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي

و تنها شما را فراخواندم و شما اجابت‌م کردید،

except that I appealed to you, and you responded to me.



فَلَا تَلُومُونِي وَ لُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا

پس (امروز شما ابلهان که سخن بی دلیل مرا پذیرفتید) مرا ملامت مکنید بلکه نفس (پرطمع)

Do not blame me but blame yourselves! I have

بِمُصْرِحِكُمْ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُصْرِحِي

خود را ملامت کنید، که امروز نه من فریادرس شما خواهم بود و نه شما فریادرس من

no claim on you nor have you any claim on me.



اِنِّیْ کَفَرْتُ بِمَا اَشْرَکْتُمْوِنِ مِنْ قَبْلُ

توانید بود، من به شرکی که شما به (اغوای) من آوردید معتقد نیستم،
I disown how you have associated me [with God] up till now.

اِنَّ الظَّالِمِیْنَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِیْمٌ

۲۲

آری (در این روز) ستمکاران عالم را عذابی دردناک خواهد بود. (۲۲)
Wrongdoers will have painful torment." (22)



وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا

و آنان را که به خدا ایمان آورده

Those who believe

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ

و عمل صالح کردند در بهشتهایی برند

and perform honorable deeds will be shown



تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

که زیر درختانش نهرها جاری است
into gardens through which rivers flow,

خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

و همیشه به فرمان خدای خود در آن بهشت مخلدند
to live there with their Lord's permission.



تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ



و تحیت آنان در آنجا سلام است. (۲۳)

Their greeting in it will be: "Peace!" (23)

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا

(ای رسول) آیا ندیدی که چگونه خدا کلمه پاکیزه را

Do you not consider how God makes up a parable?



كَلِمَةٌ طَيِّبَةٌ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا

به درخت پاک و زیبایی مثل زده که اصل ساقه آن برقرار باشد

A good word may be compared to a good tree whose root is firm

ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ



و شاخه آن به آسمان (رفعت و سعادت) بر شود؟ (۲۴)

and whose branches soar up into the sky. (24)



تُوَّتِي أَكْلَهَا

و آن درخت پاک و زیبا به اذن خدا همه اوقات میوه‌های مأكول و خوش دهد

It yields its food

كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا

(مثل جان پاک با دانش و معرفت و افکار و کردار نیکو در منفعت دائم برای خود و دیگران بدان

each season with its Lord's permission.



وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ

درخت زیبای پرثمرماند). و خدا (این گونه) مثل های واضح

God composes parables for mankind

لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

۲۵

برای تذکر مردم می آورد. (۲۵)

so that they may be reminded. (25)



وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ

و مَثَلُ كَلِمَةٍ كَفَرٍ (و روح پلید) مانند درخت پلیدی است

A bad word may be compared to a bad tree:

خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ

که ریشه‌اش به قلب زمین نرود بلکه بالای زمین افتد و (زود خشک شود و)

it will be uprooted from the face of the earth;



مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ۲۶

هیچ ثبات و بقایی ندارد. (۲۶)

it has no foothold. (26)

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا

خدا اهل ایمان را

God braces those who believe



بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ

باعقیده ثابت
with firm speech

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ

در حیات دنیا و در آخرت پایدار می دارد
during worldly life and in the Hereafter;



ج وَيُضِلُّ اللَّهُ الضَّالِّمِينَ

و خداوند ستمکاران را به حال گمراهی وا می‌گذارد
while God lets wrongdoers stray away.

وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ٢٧

و خدا هر چه بخواهد (به اختیار مطلق) می‌کند. (۲۷)
God does whatever He wishes! (27)



أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ

هیچ ندیدی حال مردمی را که نعمت خدا را به کفر مبدل ساختند

Have you not seen those who pay back God's favor

كُفْرًا وَآحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ

و (خود و) قوم خود را به دیار هلاکت رهسپار کردند؟ (۲۸)

with disbelief and settle their folk in the home of Perdition- (28)

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا

یعنی به دوزخ

Hell! They will roast there,

وَبِئْسَ الْقَرَارُ

که بدترین جایگاه است درآیند. (۲۹)

and how awful is such a plight! (29)



وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا

و در مقابل خدا، امثال و اضدادی (مانند فرعونان و بتان) جعل کردند
They place rivals alongside God

لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ ط

که (خود و خلق را) از راه خدا گمراه کنند.
to lead others astray from His path.



قُلْ تَمَتَّعُوا

(ای رسول ما، به این مردم بت تراش و بت پرست) بگو که (این دو روزه دنیا)

SAY: "Enjoy yourselves

فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ

به لذات دنیوی مشغول باشید که بازگشت شما به آتش دوزخ خواهد بود. (۳۰)
even though your goal will be the Fire!" (30)



قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا

به آن بندگان من که ایمان آوردند

Tell My servants who believe

يُقِيمُوا الصَّلَاةَ

بگو نماز به پا دارند

to keep up prayer



وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

و از آنچه روزی آنها کردیم
and spend what We have provided them

سِرًّا وَعَلَانِيَةً

در نهان و آشکار انفاق کنند
with both secretly and openly



مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ

پیش از آنکه بیاید روزی که نه چیزی توان خرید
before a day comes along when there will be

لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خِلَالَ (۳۱)

و نه دوستی کسی (جز خدا) به کار آید. (۳۱)
no bartering nor any intimacy. (31)



اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

خداست آن که آسمانها و زمین را آفرید

God is the One Who has created Heaven and Earth,

وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

و باران را از آسمان فرو بارید

and sends down water from the sky.



۲۹۲
ز

فَاخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ

تا بدان انواع ثمرات و حبوبات را برای روزی شما برآورد،

He brings forth produce by means of it as sustenance for you.

وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ

و کشتی‌ها را مسخر شما کرد

He has subjected ships to you



لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ

تا به امر او به روی آب دریا روان شود
so they may sail at sea by His command;

وَسَخَّرَ لَكُمْ الْآنْهَارَ

و نهرها را (به روی زمین) به اختیار شما جاری گردانید. (۳۲)
and subjected rivers to you. (32)



وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ

و خورشید و ماه گردنده

He regulates the sun and moon for you, both journeying on and on,

وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

و شب و روز را برای شما مسخر کرد. (۳۳)

and regulates night and day for you. (33)



وَأَتُكْمُ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ

و از انواع نعمتهایی که از او درخواست کردید به شما عطا فرمود، و اگر نعمتهای
 He gives you everything you ever ask Him for. If you

وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا

(بی انتهایی) خدا را بخواهید به شماره آورید هرگز حساب آن نتوانید کرد،
 counted up God's favor(s), you would never [be able to] number them;

إِنَّ الْإِنْسَانَ

(با این همه لطف و رحمت خدا) باز انسان سخت ستمگر
yet man is so unfair,

لَظَلُومٌ كَفَّارٌ



و کفر کیش و ناسپاس است. (۳۴)
ungrateful. (34)



وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ

و (یاد آر) وقتی که ابراهیم عرض کرد:

So Abraham said:

رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ أَمِنًا

پروردگارا، این شهر (مکه) را مکان امن و امان قرار ده

"My Lord, make this countryside safe



وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ

و من و فرزندانم را
and keep me and my sons

أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ ۳۵

از پرستش بتان دور دار. (۳۵)
away from worshipping idols. (35)



رَبِّ اِنَّهِنَّ اَضَلَّلْنَ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ

پروردگارا، این بتان (و بت‌ترشان) بسیاری از مردم را گمراه کردند،

My Lord, they have led so many men astray!

فَمَنْ تَبِعَنِيْ فَاِنَّهٗ وَاِنِّىْ

پس هر کس (در راه توحید و خداپرستی) پیرو من است او از من است

Anyone who follows me belongs to me,



وَمَنْ عَصَانِي

و هر که مخالفت من کند (و راه شرک و عصیان پوید اختیارش با توست که)
just as anyone who disobeys me [will still find]

فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣٦﴾

تو خدای بسیار بخشنده و مهربانی. (۳۶)
You are Forgiving, Merciful. (36)



رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ

پروردگارا، من برخی از ذریّه و فرزندان خود را

"Our Lord, I have had some of my offspring reside in

غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ

به وادی بی کشت و زرع نزد بیت الحرام تو مسکن دادم،

a valley without any crops alongside Your Hallowed House,



رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ

پروردگارا، تا نماز را به پا دارند،
our Lord, so that they may keep up prayer.

فَاَجْعَلْ اَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي اِلَيْهِمْ

پس تو دل‌هایی از مردمان را به سوی آنها مایل گردان
Make men's vitals feel fond of them,



وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ

و به انواع ثمرات آنها را روزی ده،
and provide them with fruit

۳۷

لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ

باشد که شکر تو به جای آرند. (۳۷)
so they may act grateful. (37)



رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ

پروردگارا، تو به هر چه ما
"Our Lord, You know whatever

مَا نُخْفِي وَمَا نَعْلِنُ

پنهان و آشکار کنیم بر همه آگاهی
we hide and whatever we display;



وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ

(که تو خدایی) و بر خدا البته هیچ چیز

nothing on earth nor

۳۸

فِي الْأَرْضِ وَالْأَفْئِتَاءِ

در زمین و آسمان پنهان نیست. (۳۸)

in the sky is hidden from God. (38)



أَحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي

ستایش خدای را که به من در زمان پیری
Praise be to God Who has bestowed

عَلَى الْكَبِيرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ ج

دو فرزندم اسماعیل و اسحاق را عطا فرمود (و درخواست مرا اجابت کرد)
Ishmael and Isaac on me in my old age.



اِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٩﴾

که پروردگار من البته دعای بندگان را شنواست. (۳۹)

My Lord is so Alert to anyone's appeal! (39)

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ج

پروردگارا، مرا و از ذرّیه‌ام نیز کسانی را نمازگزار گردان،

"My Lord, make me keep up prayer, and have my offspring [do so too]."

رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ



و بارالها دعای مرا بپذیر. (۴۰)

"Our Lord, accept my appeal! (40)

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ

بارالها، روزی که (میزان عدل و) حساب به پا می شود

Our Lord, forgive me, both my parents,



وَالْمُؤْمِنِينَ

(تو در آن روز سخت) بر من و والدین من
and believers

يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ



و همه مؤمنان (از کرم) ببخشا. (۴۱)

on the Day when the Reckoning will be set up!" (41)



وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا

و (ای رسول ما) هرگز مپندار که خدا
Do not reckon God is oblivious of

عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ

از کردار ستمکاران غافل است،
what wrongdoers are doing;



إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ

بلکه (کیفر) ظالمان را به تأخیر می افکند

He is merely putting them off

لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿٤٢﴾

تا آن روزی که چشمها (یشان) در آن روز خیره و حیران است. (۴۲)

till a day when their eyesight will be glazed (42)



مَهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ

(در آن روز سخت آن ستمکاران) همه شتابان و هراسان سر به بالا کرده
as they dash along with their heads tilted forward, their glances

إِلَيْهِمْ ظَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ

۴۳

و چشمها واله مانده و دلهاشان به دهشت و اضطراب است. (۴۳)
not checking back for them, and their vital organs gaping open. (43)

وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ

و (ای رسول ما) مردم را از روزی که هنگام عذاب (و کیفر اعمالشان) فرامی رسد بترسان
Warn mankind against a day when torment will come upon them.

فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا

(و آگاهشان ساز) که ستمکاران خلق (چون سختی عذاب را بنگرند از حسرت و پشیمانی)
Those who have done wrong will say:



رَبَّنَا أَخِّرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ

خواهند گفت: پروردگارا (عذاب) ما را اندک مدتی به تأخیر افکن
 "Our Lord, put us off for a short while;

نُجِيبُ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعُ الرُّسُلَ

تا دعوت تو را اجابت کنیم و پیرو رسولان (تو) شویم
 we will answer Your appeal and follow the messengers!"



أَوَلَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِنْ قَبْلُ

(و از هر کار بد بازگردیم. به آنها پاسخ آید که) آیا شما بارها پیش از این

Did you not use to swear previously that you

مَا لَكُمْ مِنْ زَوَالٍ ۴۴

سوگند یاد نمی کردید که ما را ابداً زوال و هلاکی نخواهد بود؟ (۴۴)

would never [face] extinction? (44)



وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ

و شما (ستمکاران بودید که) در منازل ستمگران پیش از خود مسکن
You have inhabited the dwellings of those

ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ

گزیدید و مشاهده کردید که عاقبت ما چه بر سر آنها آوردیم
who wronged themselves;



وَتَبَيَّنَّا لَكُمُ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ

و بر شما سرگذشت آنها را مثل آوردیم (تا مگر عبرت گیرید و از کار زشت و
it was explained to you how We had dealt with them,

وَضَرَبْنَا لَكُمُ الْأَمْثَالَ

۴۵

ستمگری دست کشید، ولی هرگز پند نگرفته و بیدار نشدید). (۴۵)
and We made up parables for you. (45)



وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ

و آن ستمکاران بزرگترین مکر و مهمترین سیاست خویش را به کار بردند
They hatched their plot

وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرَهُمْ

ولی مکر آنها پیش (قدرت و تقدیر) خدا (هیچ) است
while God held up their plot,



وَإِنْ كَانَتْ مَكْرَهُمْ

هر چند مکر (و سیاست) آنها به پایه‌ای باشد
even though their plan had been to transport

لِتَرْوُلَ مِنْهُ الْجِبَالُ

۴۶

که کوه‌ها بدان از جای کنده شوند. (۴۶)
the mountains by means of it! (46)



فَلَا تَحْسِبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفًا وَعْدِهِ

پس هرگز مپندار که خدا وعده خود با رسولانش را
Do not reckon God will break His promise to His

رُسُلَهُ وَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ

خلاف کند که البته خدا مقتدر و انتقام کشنده است. (۴۷)

messengers; God is Powerful, the Wielder of Retribution. (47)



يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ

روزی که زمین (به امر خدا) به غیر این زمین

Some day the earth will be changed

غَيْرِ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتِ

مبدل شود و هم آسمانها دگرگون شوند

into a different earth, and [so will] Heaven;



وَبَرَزُوا

و تمام خلق
they will emerge

لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ۴۸

در پیشگاه (حکم) خدای یکتای قادر قاهر حاضر شوند. (۴۸)
for God Alone, the Irresistible! (48)



وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ

و (در آن روز) بدکاران را
You will see criminals

۴۹

يَوْمَئِذٍ مُّقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

زیر زنجیر (قهر خدا) مشاهده خواهی کرد. (۴۹)

linked together by means of fetters on that day; (49)



سَرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطِرَانٍ

(و بینی که) پیراهنهای از مس گداخته آتشین بر تن دارند
their garments will be [smeared]

وَتَغْشَىٰ وُجُوهُهُمُ النَّارُ ﴿٥٠﴾

و در شعله آتش چهره آنها پنهان است. (۵۰)
with tar while fire will cover their faces, (50)



لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ

(این گونه عذاب برای آن است) تا خدا هر شخص را به کیفر کردارش برساند،
so God may reward each soul according to whatever it has earned.

إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۵۱)

که خدا در یک لحظه به حساب خلق خواهد رسید. (۵۱)
God is Prompt at reckoning! (51)



هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ

این (قرآن عظیم) حجت بالغ برای جمیع مردم است

This is a proclamation for mankind;

وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَيَعْلَمُوا

(تا خلائق از آن پند گرفته) و تا بدان وسیله خداشناس و خداترس شوند

let them feel they are warned through it



أَنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ

و تا عموم بشر خدا را به یگانگی بشناسند
and know that He is God Alone.

وَلِيَذْكُرُوا الْأَبَابِ

و صاحبان عقل، متذکر و هوشیار گردند. (۵۲)
May prudent persons bear it in mind! (52)





Negareh Asan



easy.reading.quran



negareh.asan

negarehasanpub



www.negareh-asan.ir

نِگارِش
آسان